

برگ‌هایی از

کارنامه دولت جنگ

۱۳۶۰-۱۳۶۸

به کوشش: سید علی‌رضا حسینی بهشتی و عباس ملکی

سید کاظم اکرمی
رضا ام‌الهی
محسن ایردج‌واہ
قرآن سہرادیان‌ژاد
سید علاء‌محسین حس‌تاش
سید علی‌رضا حسینی بہشتی
شہرور شریعتی
حسین علایی
سید محسن علوی‌پور
مسعود عواری
عباس ملکی
فرشاد مؤمنی



فهرست

مشارکت کنندگان ۷



اهمیت نارحوانی کارنامه دولت در دوران جنگ تحمیلی ۱۳

سیدعلیرضا حسینی بهشتی و عباس ملکی



بررسی نقش دولت دفاع مقدس در جنگ تحمیلی ۳۱..

حسین علایی



سیاست خارجی آخرین نخست وزیر ایران (۱۳۶۰-۱۳۶۸) ۷۵

عباس ملکی



اقتصاد سیاسی مبارزه در جنگ تحمیلی ۱۳۵

شهرور شریعتی و مسعود عفاری



دولت جنگ به مثابه يك دولت توسعه گرای تمامعیار ۱۴۹

فرشاد مومنی



صعوت نفت در دوران جنگ تحمیلی ۱۹۷

سیدعلامحسین حسن تاش



۲۰۵ دستاوردهای دولت میرحسین موسوی در حوزه سلامت

قربان بهرادیان نژاد



۲۲۱ رویکردهای دولت حسگ به سازمان تأمین اجتماعی

محسن ایردحواه



۲۳۷ آموزش و پرورش و حسگ تحصیلی

سیدکاظم اکرمی



۲۴۷ سیمای ایران در دولت حسگ

سیدمحسن علوی پور



۲۷۵ سازمان انرژی اتمی در دوران حسگ تحصیلی

رضا امراللهی



۲۸۵ سخن پایانی

عباس ملکی و سیدعلیرضا حسینی بهشتی



۳۱۱ نتیجه گیری



۳۱۵ نمایه

مقدمه

تاریخ‌نگاری و تاریخ‌خوانی در میان ما ایرانیان هم رایج است و هم متروک این گزاره تناقض‌نامایانگر موقعیت دهی تاریخ برد ماست کشور ما دارای یکی از دیرینه‌ترین تمدن‌های باستانی است طی بیش از بیست‌وپنج سده، اقوام و افرادی در این سرزمین زندگی کرده‌اند که هویت فرهنگی مشترکی آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌رند این به معنای آن نیست که هویت ملی ایرانی در آن صورت‌بندی که امروزه در ادبیات سیاسی بدان استناد می‌کنیم، چنین عمر درازی دارد، بلکه این تاریخ به قدمت هویت فرهنگی مشترکی اشاره دارد که ویژگی آن چیری است معادل آنچه در ادبیات کلامی و عرفانی از آن به «وحدت در عین کثرت» یاد می‌شود واقعیت تنوع و تعدد فرهنگی اقوام و افراد از این هویت حداناشدنی است باین‌همه، همه این اقوام و افراد ضمن ادعان به تفاوت‌های فرهنگی (دیی، مدهی و قومی) خود را ایرانی می‌دانند بیان چنین سرمایه‌گران‌بهایی بر این واقعیت استوار شده که چنانچه سیدمحمد بهشتی تأکید می‌کند (نک بهشتی، ۱۳۹۷) تنوع و تعدد فرهنگی در ایران منشأ درون‌سررمیی دارد یا دست‌کم اگر با تفسیر بندیکت آندرس دربارہ جماعت‌های تصویری موافق باشیم (نک آندرس، ۱۳۹۳)، تصویری که در دهیت مشترک ما ایرانیان از هویت تاریخی‌مان شکل گرفته چنین نمایی دارد. از همین روست که علاقه به آگاهی درباره تاریخ کشورمان در میان ما چنین رایج است باین‌همه، سابقه تاریخ‌نگاری به مفهوم و اسلوب امروزی در این مروروم

به بیش از یک‌صد و پنجاه سال نمی‌رسد (نک شیاء ابراهیمی، ۱۳۹۶) بدین معنا که تاریخ‌نگاری ایرانی تا پیش از آن به شکلی سستی به صورت روایت ماقوع احام می‌شده و تکیه آن بر کابوهای قدرت بوده - که بیش‌تر مورخان از پشتیبانی آنان برخوردار بوده‌اند- و بزرگ‌آمیخته به اسطوره‌سازی‌ها و تحلیلاتی بوده که مقبول آن پشتیبانان قرار می‌گرفته است در نتیجه مطالعه متون تاریخی که بر اساس یکی از روش‌های علمی مطرح در مکتب‌های تاریخ‌نگاری صورت گرفته باشد، در میان مردم ما اعم از حواص و عوام سخت عریب است برای فهم این مدعا کافی است نگاهی به میراث انتشار کتاب‌های تاریخی عوام‌پسند و تعداد کتاب‌های منتشر شده متنی بر اسلوب تاریخ‌نگاری علمی و حضور آن در کتابخانه‌های شخصی‌مان بیداریم نارار داع تاریخ شفاهی که به لحاظ اعتبار در میان اسناد تاریخی در بارل‌ترین درجه اعتبار قرار دارد، خود گواهی دیگر بر این واقعیت تلخ است

تاریخ‌نویسی در چند دهه اخیر بزرگ‌ترین آفت مصون نمانده است حال ایحاست که سایه تاریخ‌نگاری عوام‌پسندانه هم بر مراکز تاریخ‌نگاری و تبلیغاتی حامی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و هم بر تلاش‌های صورت گرفته از سوی منتقدان آن سنگینی می‌کند. با وقوع انقلاب ارتباطاتی و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی محاری تنوع و تعدد این گونه تاریخ‌نویسی‌ها گسترش یافته است و از آنجا که ست‌گفت‌وگو در جامعه ما سخت مهجور است، وحه غالب متون و یادداشت‌هایی که دست به دست می‌گردد، «حطانی» است نه «محاطتی» طبیعی است که در این آشفته‌بارار، کالاهای حاصل از حطوط تولید «تاریخ‌سازی» بزرگ‌سخت رواج دارد، تاریخ‌گویی‌هایی که در آن، سره و باسره چنان در هم آمیخته که تمیز آن گاه بر اهل‌فن بزرگ‌دشوار می‌شود، چه رسد به محاطبان عام هنگامی که این گونه مواحه‌ها با تاریخ که وحه غالب آن عوام‌پسندانه است، در خدمت تسویه حساب‌های حجاجی و سیاسی قرار می‌گیرد، نه جایگزینی «تاریخ به‌مثابه تاریخ» با «تاریخ به‌مثابه محکمه» محر می‌شود نگاهی گذرا به این دو مفهوم و پیامدهای اتحاد آن روش‌ها می‌تواند مفید باشد

واکاوی تاریخ دور و نزدیک جامعه این سرزمین به‌مطور یافتن علل و ریشه‌های شکل‌گیری وضعیت کنونی می‌تواند به اشکال مختلفی احام شود شیوه معمول در مساحته‌ها و مناظره‌های رسانه‌ای و رویه غالب در گفت‌وگوهای میان روشنفکران و

کشفگران سیاسی و اجتماعی، بیش از هر چیز با هدف یافتن مقصر یا مقصرانی است که نتوان مسئولیت قرار گرفتن در وضعیت کنونی را حاصل کوتاهی یا گناه آنان برشمرد از همین روست که همه همچون کارآگاهانی غیرحرفه‌ای سراع اسناد تاریخی، ردگیامه‌های خودنوشت و دیگرنوشت و مجموعه‌های تاریخ شفاهی می‌رویم تا این تقصیرکاران را دستگیر و سپس در عرصه عمومی افشا کنیم تا همه بدانند چه کسانی موجب ناسامانی‌های کنونی جامعه بوده و هستند در این نارار برحسب و حوش و هیاهو، مطلق‌نگری (نه تعییر امروری‌تر سیاه‌وسعیید دیدن)، لحن‌مال کردن دیگری و تطهیر خود سکه رایج است

استاد و پژوهشگر فقید، آیریس ماریون یانگ^۱ که از اندیشمندان و اندیشه‌ورران سام حوره فلسفه سیاسی بود، در طول عمر کوتاهش آثار گران‌بهایی در رمینه سیاست هویت برحای گذاشت در میان آن آثار کتابی هست با عنوان مسئولیت در قبال عدالت^۲ که مراحل آماده‌سازی آن برای انتشار با بیماری و سپس فوت بویسده هم‌زمان شد و پس از درگذشت او همسرش و بزرگ‌همکارش مارتا بوسام^۳ آن را آماده و روانه نارار نشر کردند هرچند بوسام در میان حواسندگان ایرانی شاحته‌شده‌تر است، اما شاحت ایرانیان اهل مطالعه از او هم مانند یانگ کم است او مقدمه اررشمندی بر این کتاب نوشت که در آن به فصلی از کتاب با عنوان «تقصیر و مسئولیت» توجه ویژه‌ای مدول داشت بعدها بوسام، فیلسوف احلاق بوارسطوبی که در حوره توسعه اسبابی و رویکرد قابلیت‌افزایی هم قلم رده است، تا حدودی تحت تأثیر مباحث مطروحه در این فصل کتابی منتشر کرد با عنوان سلطنت ترس نگاه یک فیلسوف به بحران سیاسی ما^۴ و در آن با استفاده از بحث یانگ در موضوع «تقصیر» و استاد به نگرش علمی خودش مسی بر اینکه امر سیاسی امری است احساسی، به سبط ایده یانگ پرداخت احاره بدهید ابتدا به حطوط اصلی بحث بوسام و سپس به نکته مهمی که یانگ به آن پرداخته اشاره کنیم

1 Iris Marion Young (1949-2006)

2 Young Iris Marion (2011) *Responsibility for Justice*, Oxford Oxford University Press.

3 Martha Craven Nussbaum (1947)

4 Nussbaum Martha C (2018) *The Monarchy of Fear A Philosopher Looks at Our Political Crisis* New York. Simon and Schuster